

برایم شعی بیافروز

دو سال تلاش یونسکو برای
تعلیم زنان شمال خوزستان
در دههٔ چهل شمسی

ریتا ویرینگر
مترجم: رضا مسعودی نواد



سرشناسه	ویزینگر، ریتا Wiesinger, Rita :
عنوان و نام پدیدآور	برایم شمعی بیافروز: دو سال تلاش یونسکو برای تعلیم زنان شمال خوزستان در دهه چهل شمسی / ریتا ویزینگر؛ مترجم رضا مسعودی نژاد.
مشخصات نشر	تهران: اندیشه احسان، ۱۳۹۹.
مشخصات ظاهری	۲۶۴ ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	۹۷۸-۶۲۲-۷۳۰۳-۶۲-۹
وضعیت فهرست نویسی	فیپا :
یادداشت	عنوان اصلی: Light me a candle : two years of literacy and adult education .work among the women of Khuzistan, Iran, 1973
عنوان دیگر	دو سال تلاش یونسکو برای تعلیم زنان شمال خوزستان در دهه چهل شمسی.
موضوع	ویزینگر، ریتا -- سفرها -- ایران -- خاطرات
موضوع	-- Iran-- Diaries Wiesinger, Rita -- Voyages and travels
موضوع	یونسکو-- کارمندان - Unesco-- Employees
موضوع	سوادآموزی -- ایران -- خوزستان -- برنامه‌ها
موضوع	-- Iran -- Khuzestan Literacy programs
موضوع	زنان روستایی -- ایران -- خوزستان -- آموزش
موضوع	Khuzestan -- Rural women -- Education -- Iran
موضوع	خوزستان -- سیر و سیاحت
موضوع	Khuzestan (Iran: Province) -- Description and travel
شناسه افزوده	مسعودی نژاد، رضا، ۱۳۴۸-، مترجم
رده بندی کنگره	DSR ۱۴۸۰
رده بندی دیویی	۹۵۵.۰۱۳۰۴۲
شماره کتابشناسی ملی	۷۸۰۰۱۹۵



برایم شمعی بیافروز: دو سال تلاش یونسکو برای تعلیم زنان شمال خوزستان در دهه چهل شمسی
مؤلف: ریتا ویزینگر

مترجم: رضا مسعودی نژاد
نوبت چاپ: اول ۱۴۰۰ شمارگان: ۵۰۰

قیمت: ۱۳۲۰۰۰ تومان
طراح و گرافیک: حکمت مرادی

چاپ: هوران
آماده سازی و تولید: انتشارات اندیشه احسان

ویراستار: قمر تکاوران
صفحه آرای: سودابه بیات

تمامی حقوق این اثر محفوظ است. تکتیر یا تولید مجدد آن کلاً و جزئاً (چاپ، فتوکپی، صوت، تصویر و انتشار الکترونیکی) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

دفتر نشر: تهران، خیابان انقلاب، روبه روی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه ۲، واحد ۵۰۷
تلفن: ۶۶۴۶۶۰۰۲ - تلگرام: ۰۹۱۹۱۵۵۱۸۰۲ - سایت: www.andishehehsan.com
فروشگاه: تهران، خیابان انقلاب، روبه روی درب اصلی دانشگاه تهران، پاساژ فروزنده، طبقه همکف، واحد ۳۱۷



andishe_ehsan



sociologybookstore - ۶۶۴۶۶۰۰۱ تلفن:

فهرست

۱۱	پیش درآمد ترجمه
۱۵	سپاسگزاری
۱۹	مقدمه
۲۱	مأموریت
۲۵	آغاز
۳۵	در راه دزفول
۴۵	تیم یونسکو
۵۹	روستایی دزفولی
۶۳	خانه دزفولم
۷۵	همسایه ام
۸۱	شهر دزفول و بازار
۹۹	هنگامه بهار
۱۰۹	گرم می شود
۱۱۷	صفحاتی از دفتر خاطراتم
۱۲۷	صفحات بیشتری از دفترچه خاطراتم
۱۳۳	وضع جدید مالکیت

۱۴۱.....	دنیای زنان
۱۵۳.....	فقط برای خدا
۱۶۵.....	مرض و مرگ
۱۷۱.....	کودکی متولد می‌شود
۱۸۳.....	دری به بهشت
۱۹۱.....	مبارزه با بی‌سوادی
۱۹۷.....	مواجه با مشکلات
۲۰۹.....	یأس‌ها و امیدها
۲۲۳.....	رسیدن به مقصود
۲۳۳.....	دستاوردها و ناکامی‌ها
۲۴۳.....	وداع با دزفول
۲۴۵.....	دزفول به بمبئی از طریق جاده

پیش درآمد ترجمه

قصه ترجمه کتاب حاضر به حدود ۱۵ سال پیش برمی گردد. ابتدای کار دکترایم بود و هر منبع و گزارش در دسترسی درباره خوزستان را مرور می کردم. یک روز در پاورقی مطلبی درباره توسعه مدرن خوزستان به نام کتاب حاضر برخورددم. عنوان کتاب کنجکاری من را برانگیخت. دیر وقت بود، اما قبل از اینکه کتابخانه مدرسه شرق شناسی دانشگاه لندن (سواس) را ترک کنم، نام کتاب را در کامپیوتر کتابخانه جستجو کردم و متوجه شدم که نسخه ای از کتاب در کتابخانه موجود است. به سراغ قفسه رفتم و کتابی که سال ها کسی آن را ورق نزده بود را باز کردم. متن برای من چنان جذاب بود که همانجا جلوی قفسه، برای ساعتی به خواندن ادامه دادم. توصیفات دقیق یک مردم شناس از وضع عمومی شهر دزفول، روایت او از مردم آزاری کودکان دزفولی و هم نشینی او با زنان شهری و روستایی شمال خوزستان در دهه ۴۰ شمسی، من را از گوشه خلوت کتابخانه به دزفول کودکی هایم برد. همانجا فکر کردم که باید روزی این کتاب را ترجمه کنم. پس از سال ها بالاخره به آن عهد عمل کردم. زمانی که جلوی آن قفسه کتابخانه بودم، گمان نمی کردم که ترجمه این کتاب به ادای دینی دوجانبه بدل شود. دست روزگار که زنی هندی را پس از تکمیل دکترای مردم شناسی در دانشگاه وین، به زادگاه من کشانده بود، من را پس از پایان دکتری به زادگاه او برد. در سال هایی که پژوهشگر موسسه ماکس پلانک در آلمان بودم، کارهای مطالعاتی من تماماً به روی ممبای (بمبئی) متمرکز شد، کاری که سال ها بعد از آن هم ادامه یافت.

در نتیجه ترجمه کتاب حاضر نه فقط ادای دینی است به مردم زادگاهم، بلکه به مردمان و سرزمین بزرگ هند که به آنان نیز به همان اندازه احساس تعلق و نزدیکی دارم.

کتاب حاضر روایت ریتا ویزینگر است که در پاییز ۱۳۴۶ به مدت دو سال از سوی یونسکو برای مبارزه با بی‌سوادی زنان در روستاهای منطقه دزفول مأمور به خدمت شد.^۱ این پروژه یونسکو بخشی از برنامه توسعه کشاورزی شمال خوزستان و زیرنظر و به درخواست سازمان آب و برق خوزستان به انجام رسیده بود. کتاب در زمان انتشارش، در ابتدای دهه ۵۰ شمسی، به واسطه پرداختن به امر آموزش زنان اهمیت داشته و دارد. اما اهمیت این کتاب محدود به آن نمی‌شود، چراکه صرفاً خاطرات یک کارشناس یونسکو نیست، بلکه یک متن مردم‌نگارانه^۲ است. بعلاوه راوی به خاطر جنسیتش، امکان تجربه و روایت دست اول و منحصر بفردی از زندگی سنتی زنان شهری و روستایی در شمال خوزستان را داشته است. او از لباس زنان، فرهنگ غذایی و جزئیات چیدمان خانه‌های شهری و روستایی می‌گوید. ما را به مراسم عروسی روستایی دعوت می‌کند و حتی جزئیات صحنه زانمان زنی روستایی در یک طویله را برای ما روایت می‌کند. این روایت‌ها اکنون پس از نیم قرن اهمیت دو چندان یافته، چراکه تصویری از فضای زندگی سنتی در شمال خوزستان را در بزنگاهی ارائه می‌دهد که به سرعت پس از آن و برای همیشه متحول گردید. بعلاوه این کتاب به شکل مستقیم به امر توسعه روستایی و مشکلات آن در ایران می‌پردازد. راوی با نگاهی دقیق، سیاست‌های توسعه تحمیلی از بالا به پایین را براساس تجربه مستقیم خود به چالش می‌کشد. او تلاش وافری به خرج می‌دهد تا نشان دهد چرا یک روستایی در مقابل تحولات تحمیلی مقاومت می‌کند. اما نگاه ریتا ویزینگر به نقد تنها محدود نشده، بلکه بخش بزرگی از متن پیش‌رو، داستان تلاش نگارنده برای یافتن راه‌حل‌ها و روش‌های برون رفت از مشکلاتی است که در مسیر توسعه روستایی با آنها مواجه شده است. او برخی سیاست‌های توسعه

۱. در آن زمان شهرستان‌های کنونی شوش و اندیمشک، جزء توابع شهرستان دزفول محسوب می‌شدند. به همین دلیل بسیاری از مناطق روستاهایی که در کتاب بدان‌ها اشاره شده، در حال حاضر جزء توابع دزفول محسوب نمی‌شوند.

را نقد می‌کند ولی این بدان معنی نیست که امر توسعه را نفی کند، بلکه با درک شیوه زندگی مردم روستایی و دغدغه‌های آنها، سعی می‌کند که سهمی در اصلاح سیاست‌های توسعه و در نتیجه بهبود وضعیت زندگی زنان روستایی ایفا کند.

این کتاب بدون شک یک تک‌نگاری منحصر بفرد است که می‌تواند مورد استفاده اساتید و دانشجویان حوزه‌های مردم‌شناسی، مطالعات روستایی و آموزش قرار گیرد. فارغ از مخاطبین دانشگاهی، این متن روایی برای علاقه‌مندان به فرهنگ بومی شمال خوزستان کتابی بسیار جذاب خواهد بود.

لازم است در این پیش درآمد به چند نکته کوتاه نیز اشاره کنم. اول آنکه، کتاب حاضر متنی مردم‌شناختی و روایی است و نباید بعنوان منبعی تاریخی فرض شود. هرچند توصیفات و روایت‌های ارائه شده قابل اعتماد و بسیار تیزبینانه هستند، اما توضیحاتی که از زبان دیگران نقل شده‌اند، لزوماً قابل اعتماد نیستند. با وجود آنکه هدف مترجم آن نبوده که به تصحیح اطلاعات ارائه شده در متن بپردازد، اما در مواردی، برای جلوگیری از اشتباه شدن خوانندگان (خصوصاً غیر محلی) در باورهای اشاراتی آمده است.

نکته دوم آنکه، متن اصلی حتی وقتی نگارنده محاوره میان خود و روستاییان را روایت می‌کند، تا حدی دارای لحنی رسمی است. اگر چه ممکن است در جاهایی این لحن غیرعادی به نظر آید، اما رویکرد من وفادار ماندن به لحن متن اصلی بوده است. در همین امتداد تلاش شده تا عمر ۵۰ ساله متن اصلی در نسخه فارسی نیز انعکاس یابد. برای این منظور دو رویه ساده دنبال شده است تا متن فارسی از نظر فرم زبان و شکل ظاهری متن، نشانی از تعلق آن به دهه ۴۰ شمسی داشته باشد. اولاً سعی شده تا به تناسب از کلمات و اصطلاحات فارسی استفاده شود که در سال‌های اخیر کمتر مورد استفاده هستند، تا به نوعی کهنگی زبان متن احساس شود. دوم آنکه، رسم الخطی استفاده شده تا ظاهر متن در تضاد با عمر ۵۰ ساله متن نباشد. بدین جهت، با وجود آنکه اصول رسم الخط امروزی، مانند استفاده از نیم فاصله در نوشتن کلمات رعایت شده‌اند؛ اما از افراط در این کار دوری شده تا شباهت متن و کلمات بیش از حد امروزی

نشود. بطور مثال کلماتى مثل «منحصر به فرد» يا «به خوبى» بشکل قديمى تر «منحصر بفرد» و «بخوبى» تايپ شده‌اند.

لازم مى‌دانم که تشکر صميمانه‌ام را تقديم کنم به منسوين، دوستان و همشهریان عزيزم: آقایان مهندس محمد تقى مسعودى نژاد، دکتر صهبا شيروى، مهندس محمد حسن عصاره، مهندس فريد عصاره، احمد مسعودى نژاد، مهندس عبدالمجيد قندى زاده دزفولى، محمد حسن نجاتعلى، امير مسعودى نژاد و منصور خيرى زاده. بدون مشورت و راهنمايى اين بزرگواران يافتن نام دقيق و صحيح چيزها، افراد، سازمان‌ها و مکان‌هاى فراموش شده متعدد در منطقه شمال خوزستان غير ممکن مى‌نمود. علاوه بر نام مؤسسات و مکان‌ها، بسيارى از کلمات و نام‌هاى فارسى به واسطه واژه‌نگارى نامناسب يا اشتباه تايپى در متن انگليسى نامفهوم بودند، بدون همدلى اين بزرگواران تکميل ترجمه اين متن ناممکن بود. در اين ميان بايد به‌طور ويژه از دوست قديمى و خوبم آقای مهندس محمد حسن عصاره تشکر کنم که علاوه بر راهنمايى‌هاى متعدد در حين ترجمه، همدلانه نسخه اوليه ترجمه را مطالعه کرده و اصلاحات بسيارى را توصيه کردند. بر خود وظيفه مى‌دانم تا از هم‌فکرى، همدلى و پيگيرى بى‌دريغ دوست بزرگوارم، دکتر جبار رحمانى براى نشر اين ترجمه تشکر کنم. در آخر بايد از همکاران انتشارات اندیشه احسان، بخصوص خانم قمر تگاوران تشکر کنم که با دقت مراحل آماده‌سازى و ويراستارى اين کتاب را انجام رساندند.

رضا مسعودى نژاد

امر شام، زمستان ۲۰۲۱ (۱۳۹۹)